

فصلنامه ژئوپلیتیک - سال ششم، شماره اول، بهار ۱۳۸۹

صص ۲۰۷-۱۸۱

چالش‌های ژئوپلیتیکی توسعه نامتوازن نواحی ایران در مقطع زمانی ۱۳۸۵-۱۳۷۵

دکتر کرامت‌الله زیاری* - استاد جغرافیا، دانشگاه تهران

فرشید عشق‌آبادی - دانشجوی دکتری برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تهران

حمید فتحی - کارشناس ارشد برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای، دانشگاه شهید بهشتی

تاریخ پذیرش: ۱۳۸۸/۱۲/۱۵

تاریخ دریافت: ۱۳۸۸/۷/۱۰

چکیده

تعیین درجه‌ی توسعه‌یافتگی مناطق مختلف که بتواند چارچوب مؤثری برای توزیع متعادل جمعیت، فعالیت‌ها و کارکردها در سطوح مختلف باشد، در برنامه‌ریزی ضروری است. این مقاله به بررسی و تجزیه و تحلیل درجه‌بندی توسعه‌یافتگی استان‌های ایران به تفکیک مناطق شهری و روستایی در یک دوره زمانی ده ساله ۱۳۸۵-۱۳۷۵ و با به‌کارگیری مدل تحلیل عاملی می‌پردازد. با رفع همخطی بین شاخص‌ها، شاخص‌های اولیه به تعدادی عامل خلاصه می‌شود. جمع نمرات عاملی می‌تواند نمایان‌گر سطح توسعه‌یافتگی استان‌های کشور تلقی گردد. نتایج به‌دست آمده نشان می‌دهد که شاخص‌های توسعه در اکثر مناطق شهری و روستایی افزایش یافته‌اند، ضمن اینکه نابرابری بین استان‌های توسعه‌یافته‌تر و کمتر توسعه‌یافته نیز افزایش داشته است. فاصله‌ی سطح توسعه‌یافتگی بین استان تهران (توسعه‌یافته‌ترین) و استان سیستان و بلوچستان (کم توسعه‌یافته‌ترین) در مناطق شهری ۱۵۷/۳۷٪ و در مناطق روستایی ۱۰۰/۸۸٪ بیشتر شده، در نتیجه لزوم بازنگری در نظام برنامه‌ریزی کشور و جهت‌گیری به سمت برنامه‌ریزی منطقه‌ای با توجه به شرایط و ساختار فعالیتی و فضایی هر منطقه ضروری است.

واژه‌های کلیدی: توسعه، مدل تحلیل عاملی، چالش‌های ژئوپلیتیکی، تمرکززدایی، مناطق شهری و روستایی، ایران.

۱- مقدمه

«توسعه» در لغت به معنای رشد تدریجی در جهت پیشرفته‌تر شدن، قدرتمندتر شدن و حتی بزرگ‌تر شدن است (فرهنگ لغات آکسفورد، ۲۰۰۱). ادبیات توسعه در جهان پس از جنگ جهانی دوم مطرح و مورد تکامل قرار گرفت. هدف، کشف چگونگی بهبود شرایط کشورهای عقب‌مانده تا شرایط مناسب همچون کشورهای پیشرفته و توسعه‌یافته است.

طبق تعریف، توسعه، کوششی است برای ایجاد تعادلی تحقق‌نیافته یا راه‌حلی است در جهت رفع فشارها و مشکلاتی که پیوسته بین بخش‌های مختلف زندگی اجتماعی و انسانی وجود دارد. به‌طور کلی توسعه جریانی است که در خود تجدید سازمان و سمت‌گیری متفاوت کل نظام اقتصادی- اجتماعی را به همراه دارد. توسعه، علاوه بر اینکه بهبود میزان تولید و درآمد را دربردارد، شامل دگرگونی‌های اساسی در ساخت‌های نهادی، اجتماعی- اداری و همچنین ایستارها و دیدگاه‌های عمومی مردم است. توسعه در بسیاری از موارد، حتی عادات و رسوم و عقاید مردم را نیز دربر می‌گیرد.

توسعه را به معنای کاهش فقر، بیکاری، نابرابری، صنعتی‌شدن بیشتر، ارتباطات بهتر، ایجاد نظام اجتماعی مبتنی بر عدالت و افزایش مشارکت مردم در امور سیاسی جاری تعریف می‌نمایند (ازکیا، ۱۳۸۱). «توسعه» به معنای بازسازی جامعه براساس اندیشه‌ها و بصیرت‌های تازه نیز تعبیر می‌نماید. این اندیشه‌ها و بصیرت‌های تازه در دوران مدرن، شامل سه اندیشه «علم‌باوری»، «انسان‌باوری» و «آینده‌باوری» است. به همین منظور باید برای نیل به توسعه، سه اقدام اساسی: درک و هضم اندیشه‌های جدید، تشریح و تفضیل این اندیشه‌ها و ایجاد نهادهای جدید برای تحقق عملی این اندیشه‌ها صورت پذیرد (فیروزنیا، ۱۳۸۲).

امروزه تلقی از مفهوم توسعه، فرآیندی همه‌جانبه است (نه تنها توسعه اقتصادی) که معطوف به بهبود تمامی ابعاد زندگی مردم یک جامعه (به‌عنوان لازم و ملزوم) است. به‌عبارت دیگر، توسعه، به معنای ارتقای مستمر کل جامعه و نظم اجتماعی به‌سوی زندگی بهتر و یا انسانی‌تر است. ابعاد مختلف توسعه ملی عبارتند از: توسعه اقتصادی، توسعه سیاسی، توسعه فرهنگی و اجتماعی و توسعه امنیتی (دفاعی).

رشد و توسعه به‌عنوان یک مقوله اقتصادی - اجتماعی ابتدا از سوی اقتصاددانان و سپس جامعه‌شناسان و پژوهشگران برخی از علوم چون جغرافیا مورد توجه و اساس برنامه‌ریزی قرار گرفت. از جمله، دشواریهای همیشگی در بررسی ادبیات توسعه‌ی اقتصادی و دگرگونیهای اجتماعی، مشخص نمودن مفهوم توسعه و رشد است. توسعه را می‌توان فرآیندی سیاسی، اجتماعی و اقتصادی دانست که منتج از استانداردهای زندگی بوده و باعث بهبود سطح زندگی بخشهای در حال افزایش جمعیت شود. فرآیند توسعه به‌حدی اهمیت دارد که باید به موازات رشد جمعیت قابل مشاهده باشد و توصیفی اینچنین، مفاهیم کیفی و منصفانه را به‌عنوان اهداف قطعی در هر فرآیند توسعه در بر می‌گیرد. به‌عبارت ساده می‌توان گفت با توجه به اینکه هدف اصلی توسعه حذف نابرابری‌هاست، بهترین مفهوم توسعه، رشد همراه با عدالت اجتماعی است (Hadder, 2000:3). اهداف کلی برنامه‌ریزی منطقه‌ای و یا توسعه اقتصادی برقراری عدالت اجتماعی و توزیع رفاه و ثروت در بین افراد جامعه است. برای دستیابی به اهداف فوق در هر جامعه‌ای نیاز به تهیه و تدوین و در نهایت اجرای برنامه‌های متنوع و متعدد است. زیرا یکی از مهمترین خصایص یک اقتصاد پویا و فعال و سالم، توزیع مناسب و عادلانه امکانات و ثمرات توسعه در میان اکثریت جمعیت یک ناحیه، منطقه یا کشور است. از این رو برنامه‌ریزان از طریق تهیه برنامه‌های محرومیت‌زدایی سعی در کاهش شکافها و نابرابریها دارند. در کشور ایران توسعه و زیرساختهای آن در نواحی جغرافیایی کشور در اثر برنامه‌ریزیهای نامطلوب ملی و متمرکز گذشته تفاوت شدیدی را در روند توسعه آشکار ساخته است. بیش از دو دهه است که در ایران سیاستگذاران، برنامه‌ریزان و صاحب‌نظران، روشهای مختلف برنامه‌ریزی از قبیلی منطقه‌ای، فضایی و آمایش سرزمین را مورد توجه قرار داده‌اند تا با استفاده‌ی عملی از روشهای مذکور ضمن تأکید بر توانها و منابع محیطی نواحی جغرافیایی، توسعه‌ای جامع و فراگیر مبتنی بر تعادل منطقه‌ای در زمینه‌های طبیعی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی از طریق تدوین استراتژی‌های مطلوب و درون‌زا در عرصه ملی برقرار سازند (رضائی، ۱۳۷۶: ۵). در ایران نیز همانند اکثر کشورهای در حال توسعه در زمینه اقتصادی و اجتماعی آن یک یا دو منطقه و یا در نهایت چند منطقه دارای مسئولیت اصلی در زمینه ایجاد درآمد و تولید ملی و برخوردار از خدمات عمومی و بالطبع شکوفایی اقتصادی، اجتماعی بوده که به قیمت عقب‌نگه داشتن مناطق

دیگر بوده است. باید اذعان نمود که نابرابری و محرومیت به مثابه آن روی سکه توسعه، خطری مستقیم برای امنیت جامعه به شمار می‌آیند و هرگونه برنامه‌ریزی توسعه بدون عنایت و برنامه‌ریزی عمومی برای از میان برداشتن نابرابری‌ها نمی‌تواند انجام گیرد (نصیری و اعظمی، ۱۳۸۵:۶۰). به عبارتی تأمین نیازهای اقتصادی و اجتماعی با امنیت رابطه متقابل دارد، به گونه‌ای که یکی بدون دیگری امکان پذیر نیست و توسعه‌یافتگی و فقر از مهمترین علل ناامنی اجتماعی هستند (سلامی، ۸۰، ۱۳۸۵). بنابراین احساس عقب ماندگی از مسیر توسعه ناشی از تفاوت‌های فرهنگی با مرکزیت، در میان گروه‌های قومی- مذهبی، بستر مناسبی را برای ایجاد و تقویت متغیرهای اثرگذار بر مولفه‌های امنیت ملی در کشور فراهم می‌نماید (حافظ‌نیا و دیگران، ۱۳۸۴:۷).

۲- برنامه‌ریزی توسعه آمایش سرزمین، چالش‌های ژئوپلیتیکی و برنامه‌های عمرانی

کشور

آمایش سرزمین^۱ نوعی برنامه‌ریزی فضایی بلندمدت برای بررسی و تنظیم ملاحظات مختلف اجتماعی، اقتصادی، ژئوپلیتیکی و طبیعی محیطی است. هدف اصلی این نوع برنامه‌ریزی، بررسی نوع توسعه‌ی مناطق و روابط متقابل دورنی و بیرونی آنها و ترسیم سیمای مراحل آتی توسعه‌یافتگی میان انسان، فعالیت و فضا است تا از این طریق میان استعدادها و پتانسیل‌های موجود در هر منطقه و نوع فعالیت‌های بلندمدت و کل‌نگر ملی، رابطه برقرار نماید.

به استناد مصوبه ۱۳۸۳ هیئت وزیران و بر اساس اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، جهت‌گیری‌های ملی آمایش سرزمین در راستای تبیین فضایی سند چشم‌انداز کشور و ترسیم الزامات تحقق آن در توسعه بلند مدت و مبتنی بر اصول مصوب آمایش سرزمین شامل ملاحظات امنیتی، دفاعی و ژئوپلیتیکی، کارایی و بازدهی اقتصادی، وحدت و یکپارچگی سرزمین، گسترش عدالت اجتماعی و تعادل‌های منطقه‌ای، حفاظت محیط زیست و احیای منابع طبیعی، حفظ هویت اسلامی ایرانی و حراست از میراث فرهنگی، تسهیل و تنظیم روابط درونی و بیرونی اقتصاد کشور، رفع محرومیت‌ها به‌خصوص در مناطق روستایی کشور

تنظیم شده است.

بدین ترتیب برنامه‌ریزی آمایش سرزمین به‌عنوان یک سند فرادست ملی می‌تواند چشم‌اندازی ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک برای اقلیم و سرزمین تهیه نموده و رویکردهای راهبردی برنامه‌های عمرانی کشور را تنظیم نماید. این امر در حالی است که در ایران همواره تلاش برای داشتن یک برنامه ملی جامع‌نگر در طول ۶۰ سال گذشته با چالش‌های متعددی مواجه بوده و تصمیم‌گیری‌های مرتبط با آن فراز و نشیب‌های مختلفی را از ابعاد مختلف مفهومی، نظریه‌ای، رویه‌ای و فرایندی به‌خود دیده است.

بررسی برنامه‌های عمرانی کشور خود گواهی بر این امر است. تا پیش از انقلاب اسلامی و در ابتدای تدوین برنامه اول عمرانی کشور برای سال‌های ۱۳۲۸-۱۳۳۴، هدف اصلی دولت بر توسعه قطب‌های کشاورزی و برخی قطب‌های صنعتی قرار داشت (صرافی، ۱۳۷۹: ۷۱). در برنامه دوم توسعه، اولویت اول بر توزیع عملیات عمرانی بین استان‌ها و شهرستان‌های کشور، سپس کشاورزی و پس از آن توجه به بخش صنعت بود (کاتوزیان، ۱۳۷۲: ۲۴۹). در برنامه عمرانی سوم (۱۳۴۱-۱۳۴۶) برای اولین بار عمران منطقه‌ای و برنامه‌ریزی منطقه‌ای مطرح شد و طی آن از استانداران برای تهیه گزارشی از توانمندی‌ها، نیازها و اولویتهای مناطق تحت پوشش آنها دعوت به عمل آمد. یکی از اهداف برنامه سوم یافتن نواحی مستعد کشاورزی با بازده بالای اقتصادی بود (همان: ۷۲). در تدوین برنامه عمرانی چهارم ضمن استمرار یافتن ویژگی جامعیت در برنامه‌ریزی، بر خلاف برنامه‌های گذشته تحولی در نظام برنامه‌ریزی صورت گرفت به‌صورتی که دو فرایند برنامه‌ریزی از بالا به پایین و برنامه‌ریزی از پایین به بالا با عنوان بخش در نظام برنامه‌ریزی دخالت داده شد تا در نهایت این دو جریان بایکدیگر همسو شوند.

در برنامه عمرانی پنجم که پایه‌های برنامه منطقه‌ای آن توسط مؤسسه آمریکایی بتل^۱ آماده شده بود، تقسیمات یازده‌گانه‌ای از مناطق کشور به‌عمل آمد و هر منطقه به نوبه‌خود به ۳۰ منطقه کوچکتر و ۱۴۰ ناحیه با مرکزیت شهرها تقسیم شد (همان: ۷۳). در خلال این برنامه، رشد درآمد نفت چند برابر شد و تلاش‌گردید تا برنامه‌های عمرانی با توجه به آراء نمایندگان مجلس و انجمن‌های محلی و استانداران تهیه شود. حفظ تعادل‌های منطقه‌ای و توزیع عادلانه درآمد ملی

^۱ - Battelle Memorial Institute

کماکان از اهداف عمده دولت بود. همچنین سیاست عمده در این دوره تقلیل مهاجرت‌های استانی، عمران روستایی، عدم تمرکز اداری و اقتصادی، محدودیت فعالیتهای صنعتی در شعاع ۱۲۰ کیلومتری تهران و ایجاد سازمان نظارت بر گسترش تهران بزرگ بود.

تأکید بر توسعه و رشد مراکز شهری از جمله محورهای اصلی دولتهای پیش از انقلاب اسلامی بود، به نحوی که طی دوران ۳۰ ساله مذکور جمعیت شهرها به شدت افزایش یافت و تحولات توسعه‌ای و در نتیجه برخی برنامه‌های دولت در روستاها به مهاجرت روستائیان به مراکز شهری کوچک و بزرگ انجامید. جدای از روستاها و بخشها و مراکز شهری کوچک و محروم که برنامه‌های دولت در زمره اولویتهای دولت قرار نداشتند، سایر مناطق با توجه به ظرفیتهای و به جهت ماهیت یازده محور جاذبه‌های تاریخی، طبیعی و اقلیمی، جمعیتی منابع آب، مرکزیت، زیر ساختها و منابع معدنی و ... هر یک از منظر یکی از چهار محور ارتباطی، صنعتی، کشاورزی و جهانگردی مورد توجه و ارزیابی دولت قرار گرفتند.

پس از انقلاب اسلامی و تدوین قانون اساسی نیز اگرچه چشم‌انداز دیگری از تصمیم‌گیری و اجرا در نظام اقتصاد و برنامه‌ریزی کشور ایجاد شد ولی با وجود تفاوت‌های عمده در اهداف و خط و مشی‌ها در برخی ابعاد از جمله توازن و عمران نواحی و عدم تمرکز اداری و اقتصادی همان سیاستهای پیشین دنبال شد. در بررسی برنامه‌های عمرانی پس از انقلاب به‌طور مشخص دیده می‌شود که به عمران روستاها و مناطق محروم به‌طور جدی توجه شد و برخی نهادهای رسمی از جمله جهاد سازندگی متولی اجرای آن شدند. همچنین مجموعه منطقه‌ای تهران به‌عنوان قطب فعالیتهای اقتصادی و بویژه صنعتی کشور دربرگیرنده طیف وسیعی از صنایع بزرگ کشور (۵۰۰ نفر و بیشتر) قرار گرفت. همچنین با توجه به بررسی‌های صورت گرفته در سال ۱۳۷۵، عمده استان‌هایی که در مناطق مرکزی کشور قرار دارند از مرکزیت بیشتری در زمینه اشتغال صنعتی برخوردار گردیدند به‌گونه‌ای که در رده اول: تهران، قزوین، مرکزی، سمنان، قم، اصفهان، یزد، گیلان و آذربایجان شرقی؛ در رده دوم: خراسان، مازندران، اردبیل، زنجان، همدان، لرستان، چهارمحال بختیاری، خوزستان، فارس، بوشهر و کرمان؛ و رده سوم که وجه فعالیت صنعتی در آنها کم‌رنگ است: گلستان، آذربایجان غربی، کردستان، کرمانشاه، ایلام، کهگیلویه و بویراحمد، هرمزگان و سیستان و بلوچستان قرار گرفتند.

نقطه قابل توجه اینکه استان‌های رده اول در مجموع، از مرکزیت جغرافیایی برخوردارند بنابراین این عامل نقش مهمی در توسعه‌ی این استان‌ها داشته است. اهمیت توسعه‌ی صنعتی مناطق به‌گونه‌ای است که با وجود تلاشهای دولت در عرصه رشد شاخصهای انسانی و اجتماعی توسعه، هنوز هم جریانهای بزرگ مهاجرت به سمت شهرهای صنعتی ادامه دارد. در سال ۱۳۷۵ بیش از ۳۳ درصد جمعیت شهرنشین کشور در پنج شهر بزرگ با جمعیت بیش از یک میلیون نفر زندگی می‌کردند (تهران، مشهد، اصفهان، تبریز و شیراز). این به آن معنا است که اگر چه سرآغاز توسعه صنعتی در ایران از مراکز عمده جمعیتی متأثر بوده اما خود نیز در تکوین فضایی جمعیت کشور مؤثر واقع شده است. لذا توزیع نامناسب جمعیت شهری در کشور به دنبال توزیع ناعادلانه توسعه صنعتی و اقتصادی تشدید گردیده است.

بدین ترتیب هدف از ارائه مقاله حاضر آن است تا با استفاده از شاخص‌های توسعه‌یافتگی، سطح توسعه‌یافتگی شهرها و روستاهای کشور و به تبع آن سطح توسعه‌یافتگی استان‌ها در دو بازه زمانی ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵ با یکدیگر مقایسه شود تا امکان بررسی تغییرات فضایی و کالبدی منطقه‌ای کشور فراهم آید. بر این اساس می‌توان چالش‌های ژئوپلیتیکی توسعه متوازن و نامتوازن نواحی ایران را در دو مقطع زمانی مورد تحلیل قرار داد. بدین منظور این مقاله از یک مدل ابزاری توانمند تحت عنوان مدل تحلیل عاملی بهره‌گرفته است تا با استفاده از آن و بهره‌گیری از روش مؤلفه‌های اصلی و دوران وریماکس، مجموع امتیازهای عاملی که سطح توسعه‌یافتگی هر استان را بیان می‌نماید، استخراج نماید.

بدین ترتیب در پایان، این مقاله می‌تواند به این پرسش پاسخ دهد که سطح توسعه‌یافتگی شهرها، روستاها و به‌طور مشخص استان‌های کشور در بین دوره زمانی ۱۰ ساله ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۵، به چه نحوی تغییر پیدا کرده و این تغییرات چگونه بر مسایل ژئوپلیتیکی کشور تأثیر می‌گذارد.

۳- مدل و روش شناسی تحقیق (تحلیل عاملی)

یکی از مشکلات اساسی توسعه فضایی مناطق مختلف، گسیختگی سازمان فضایی و عدم سلسله مراتب مبتنی بر رابطه تعاملی میان این مناطق است. بنابراین، تعیین درجه توسعه‌یافتگی مناطق مختلف که بتواند چارچوب موثری برای توزیع متعادل جمعیت، فعالیت‌ها، خدمات و

کارکردها در سطوح مختلف باشد، ضروری است. امروزه به کارگیری معیارها و روشهای کمی با استفاده از شاخصهای مختلف، جهت سطح‌بندی توسعه‌یافتگی در سیستم فضایی مناطق، به امری متداول تبدیل گردیده است. یکی از روشهای مطالعه رشد و توسعه نامتعادل در بین مناطق مختلف یک کشور، مدل تحلیل عاملی^۱ است که می‌تواند درجه توسعه‌یافتگی و میزان نابرابری آن را در هر مقطع زمانی مورد اندازه‌گیری قرار دهد. فرآیند سنجش توسعه‌یافتگی مناطق از مراحل به شرح زیر انجام می‌پذیرد:

۱- تعیین هدف مطالعه و تدوین چارچوب آن؛

۲- تعیین سطح مطالعه؛

۳- شناخت نوع آمار قابل دسترس؛

۴- انتخاب شاخصهای توسعه؛

۵- انتخاب مدل ریاضی؛

۶- مدلسازی و تجزیه و تحلیل نتایج.

۳-۱- انتخاب شاخص‌های توسعه

شناخت بهتر و دقیق‌تر از وضعیت مکانهای جغرافیایی در زمینه‌ها و سطوح گوناگون نیازمند دسترسی به اطلاعات کامل و پردازش شده از مکانهای مورد نظر است. به این منظور، از یک سری شاخص‌های ترکیبی اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، آموزشی، مسکن و کالبدی، زیربنایی، بهداشتی و غیره استفاده می‌شود. شاخص‌ها ارقامی هستند که برای اندازه‌گیری و سنجش نوسان‌های عوامل متغیر در طول زمان به کار می‌روند. به عبارت دیگر با تبدیل متغیرها به درصدها و نسبت‌های مختلف می‌توان به شاخص‌سازی اقدام نمود. این شاخص‌ها می‌توانند سطحی از رشد و توسعه مکان‌های جغرافیایی را بر اساس معیارهای انتخاب شده نشان‌دهند (حکمت‌نیا، ۱۳۸۵). تعیین این شاخص‌ها، مهمترین قدم در مطالعات توسعه ناحیه‌ای است که بیان آماری از پدیده‌های موجود در مناطق می‌باشند. همچنین در این مقاله تنها از شاخص‌های مثبت که نشان‌دهنده توسعه‌یافتگی مناطق هستند استفاده می‌شود و از بکارگیری شاخصهای منفی به دلیل اینکه بیانگر عدم توسعه‌یافتگی

^۱-Factor Analysis

هستند صرف‌نظر می‌شوند (می‌توان معکوس شاخص‌های منفی را بکار برد).

اطلاعات سرشماری عمومی نفوس و مسکن مرکز آمار ایران بر اساس: ۱- جمعیت و خانوار؛ ۲- سواد و آموزش؛ ۳- وضع فعالیت؛ ۴- محل کار؛ یا تحصیل؛ ۵- وضع زناشویی؛ ۶- معلولیت؛ ۷- واحد مسکونی؛ ۸- ویژگیهای سرپرست خانوار؛ ۹- مهاجرت ۱۰- باروری، طبقه‌بندی شده‌اند. برای تولید شاخص‌های توسعه از میان اطلاعات مذکور، متغیرهای مورد نظر شامل جمعیت، تعداد خانوار، تعداد دانشجویان، جمعیت دارای تحصیلات عالی، جمعیت باسواد بالای شش سال، جمعیت شاغل ده ساله و بیشتر، تعداد واحدهای مسکونی معمولی، تعداد واحدهای مسکونی بادوام (فلزی و بتنی)، ضریب خودروی سبک، تعداد رایانه، تعداد دسترسی به اینترنت، تعداد واحدهای مسکونی معمولی دارای برق، آب لوله‌کشی، تلفن، گاز به تفکیک استان و مناطق شهری و روستایی استخراج می‌شوند. با توجه به اینکه مدلسازی برای یک دوره ده ساله ۱۳۷۵-۱۳۸۵ انجام می‌پذیرد برای استخراج متغیرها از سرشماری‌های سالهای ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵ استفاده می‌شود. تعداد استان‌های کشور در سال ۱۳۷۵، ۲۶ استان و در سال ۱۳۸۵، ۳۰ استان بوده است که در نتیجه برای یکسان سازی و همخوانی متغیرها، تعداد استان‌ها را در سال ۱۳۸۵ به ۲۶ استان کاهش می‌دهیم. به این منظور از تجمیع متغیرهای استان‌های تهران با قزوین، خراسان شمالی و خراسان رضوی با خراسان جنوبی، گلستان با مازندران، تعداد استان‌های کشور به تعداد استان‌های سال ۱۳۷۵ و پیش از مجزا شدن از یکدیگر تبدیل می‌شوند. زیرا تفکیک متغیرهای سال ۱۳۷۵ و تبدیل آنها به ۳۰ استان امکان‌پذیر نمی‌باشد. همچنین متغیرهای ضریب خودروی سبک، تعداد رایانه و تعداد دسترسی به اینترنت، به دلیل اینکه در سرشماری سال ۱۳۷۵ لحاظ نشده و مورد سرشماری قرار نگرفته‌اند حذف می‌شوند. متغیر تعداد واحدهای مسکونی معمولی دارای لوله‌کشی گاز نیز به دلیل ناقص بودن اطلاعات آن برای استان‌های کشور، حذف می‌شود.

بر اساس متغیرهای استخراج و تجمیع گردیده، شاخص‌های توسعه شامل: ۱- درصد باسوادی نسبت به کل جمعیت؛ ۲- درصد جمعیت دانشجو به کل جمعیت ۳-؛ درصد دانش‌آموختگان نسبت به کل جمعیت؛ ۴- درصد شاغلین به کل جمعیت؛ ۵- درصد تعداد واحد مسکونی بادوام به کل واحدهای مسکونی؛ ۶- درصد واحدهای مسکونی معمولی دارای برق؛ ۷- درصد واحدهای مسکونی معمولی دارای آب لوله‌کشی ۸- درصد واحدهای مسکونی

معمولی دارای تلفن ثابت، برای ۲۶ استان و به تفکیک مناطق شهری و روستایی و سالهای ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵، تولید می‌شوند. جداول پیوست شماره ۱ و ۲ شاخص‌های توسعه تولید شده برای استان‌های کشور را به تفکیک مناطق شهری و روستایی نشان می‌دهند. پیش از عمل مدلسازی، ماتریس شاخص‌ها از طریق استانداردسازی بی‌وزن می‌شوند.

۳-۲- مدل تحلیل عاملی

تحلیل عاملی به مجموعه‌ای از فنون آماری اشاره دارد که هدف مشترک آنها ارائه مجموعه‌ای از متغیرها بر حسب تعداد کمتری متغیر فرضی است (کیم و مولر، ۱۳۸۱). مراحل تحلیل عاملی را می‌توان به صورت زیر خلاصه کرد:

الف) تهیه ماتریس استاندارد؛ ب) محاسبه ماتریس ضرایب همبستگی؛ پ) استخراج عاملی؛ ت) چرخش عوامل (روش وریماکس^۱)؛ ث) محاسبه نمرات عالی. میانگین جمع نمرات عاملی می‌تواند نماینده بسیار خوبی برای شاخص‌ها و نمایانگر سطح توسعه‌یافتگی استان‌های کشور تلقی گردد.

۳-۳ مدل‌سازی

مدلسازی با استفاده از نرم افزار SPSS و گزینه‌ی تحلیل عاملی آن انجام می‌پذیرد. هدف رتبه‌بندی ۲۶ استان کشور به تفکیک نقاط شهری و روستایی، برای یک دوره ده ساله ۱۳۸۵-۱۳۷۵ و با استفاده از ۸ شاخص می‌باشد. ماتریس شاخص‌ها، ماتریسی است که ستونهای آن شامل ۸ شاخص توسعه و سطرهای آن شامل ۲۶ استان کشور خواهد بود (۸×۲۶). از آنجایی که هر یک از عضوهای ماتریس مذکور بر شاخصهای گوناگونی که لزوماً واحدهای یکسانی ندارند دلالت دارد برای مستقل نمودن شاخص‌ها از واحد، این ماتریس استاندارد می‌شود تا مشکل ناهمسانی واحدها از بین برود. از رابطه Z برای استاندارد کردن شاخصها استفاده می‌شود.

$$Z_{ij} = \frac{x_{ij} - \bar{x}_i}{s_j}$$

^۱-Varimax Method

که میانگین و انحراف معیار هر ستون می‌باشند و در قالب ماتریس جدیدی به نام Z قرار می‌گیرد. همبستگی و سطح معناداری این ماتریس جهت بررسی همبستگی بین شاخصها مورد بررسی قرار می‌گیرند. صحت نمونه‌گیری با گزینه KMO and Bartlett's test of sphericity بررسی شده که جهت صحت نمونه‌گیری ارزش KMO^۱ باید بزرگتر از ۰/۵ باشد. روشهای گوناگونی جهت اجرای تحلیل عاملی وجود دارد که این روشها به عوامل مختلفی وابسته می‌باشند. در اینجا روش تحلیل مولفه‌های اصلی^۲ بکار می‌رود، با این وجود روشهای دیگر نیز پاسخهای اغلب مشابهی به همراه دارند (Field, 2005).

قابلیت تفسیر عوامل می‌تواند از طریق نوع دوران^۳ بهبود یابد. دوران، بارگذاری هر متغیر بر روی هر عامل استخراج‌شده را بیشینه می‌نماید ضمن اینکه بارگذاری روی همه عوامل را نیز کمینه می‌نماید. دوران از طریق تغییر ارزش‌های مطلق متغیرها ضمن حفظ ارزش‌های تفاضلی ثابت آنها عمل می‌کند. Varimax، quartimax و equamax دوران‌های متعامد هستند و direct و oblimin و promax دوران‌های مایل هستند (Field, 2005). انتخاب دقیق دوران بستگی به این دارد که آیا عوامل اصلی باید وابسته باشند یا خیر. اگر انتظار عوامل مستقل باشد، بنابراین باید یکی از دوران‌های متعامد انتخاب شوند که در اینجا از دوران Varimax استفاده می‌شود، و در صورت انتظار عوامل وابسته‌ی نیاز به استفاده از دوران‌های مایل می‌باشد. همچنین در این مدل‌سازی، از بارگذاری عاملهایی که ارزش‌های مطلق آنها کمتر از ۰/۴ باشد صرف نظر می‌گردد. این انتخاب در تفسیر مدل سازی سودمند خواهد بود؛ به هر حال، این مقدار می‌تواند مقدار امید ریاضی^۴ عامل معنی‌دار بارگذاری شده از حجم نمونه را نشان بدهد. در نهایت امتیاز عاملی محاسبه شده برای سطح‌بندی توسعه‌یافتگی استان‌های کشور (مناطق شهری و روستایی) در دو سال ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵ به‌کار می‌رود.

¹-Kaiser-Mayer-Olkin

²-Principal Component Analysis

³-Rotation

⁴-Expected value

۴- سطح بندی سطوح توسعه یافتگی استان های کشور

پس از مدلسازی و تجزیه و تحلیل با استفاده از هشت شاخص و برای ۲۶ استان کشور و به تفکیک مناطق شهری و روستایی، نتایج امتیاز عاملی برای هر یک از استان ها بر اساس جداول ۱ و ۲ برای سالهای ۱۳۸۵ و ۱۳۷۵ محاسبه می شوند. جدول شماره ۶، رتبه استان ها بر اساس امتیاز عاملی در شاخص های درصد باسوادی نسبت به کل جمعیت، درصد جمعیت دانشجو به کل جمعیت، درصد دانش آموختگان نسبت به کل جمعیت، درصد تعداد واحد مسکونی با دوام به تعداد کل واحدهای مسکونی، درصد واحدهای مسکونی معمولی دارای برق، درصد واحدهای مسکونی معمولی دارای آب و درصد واحدهای مسکونی معمولی دارای تلفن ثابت برای سالهای ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵ و به تفکیک مناطق شهری و روستایی نمایش می دهد. در سال ۱۳۷۵ و سال ۱۳۸۵ استان تهران (به همراه استان قزوین) در مناطق شهری و روستایی توسعه یافته ترین و استان سیستان و بلوچستان کم توسعه یافته ترین، استان های کشور محسوب می شوند. بررسی عوامل حاصل از تحلیل عاملی نشان می دهد که سطوح توسعه یافتگی استان ها در شاخص های مختلف یکسان نبوده و توسعه یافتگی در یک شاخص نشان دهنده توسعه شاخص های دیگر نیست، به عبارتی استان های برخوردار از یک شاخص توسعه، بگونه ای هماهنگ و همه جانبه در همه شاخص ها، توسعه نیافته اند. بنابراین در این مطالعه، هدف بررسی نتایج تحلیل عاملی سطوح توسعه یافتگی بر اساس مجموع امتیازهای عاملی برای دستیابی به یک جمع بندی از استان های کشور بوده و هر شاخص به تنهایی مورد بررسی قرار نمی گیرد.

برای مناطق شهری و در سال ۱۳۷۵، استان های تهران (به همراه قزوین)، سمنان، اصفهان و در سال ۱۳۸۵، استان های تهران (به همراه قزوین)، سمنان، و مازندان (به همراه گلستان) به ترتیب توسعه یافته ترین استان های کشور محسوب می شوند. در حالی که برای مناطق روستایی و در سال ۱۳۷۵، استان های تهران (به همراه قزوین)، اصفهان، یزد و در سال ۱۳۸۵، استان های تهران (به همراه قزوین)، اصفهان، و بوشهر به ترتیب توسعه یافته ترین استان های کشور محسوب می شوند. همچنین، برای مناطق شهری و در سال ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵، استان های کردستان، آذربایجان غربی، سیستان و بلوچستان کم توسعه یافته ترین استان های کشور محسوب می شوند. در حالی که

برای مناطق روستایی و در سال ۱۳۷۵، استان‌های آذربایجان غربی، کردستان، سیستان و بلوچستان و در سال ۱۳۸۵، استان‌های هرمزگان، کردستان، سیستان و بلوچستان به ترتیب کم توسعه‌یافته‌ترین استان‌های کشور محسوب می‌شوند.

رتبه استان چهارمحال و بختیاری در مناطق شهری و سال ۱۳۷۵، پنجم و در سال ۱۳۸۵، ششم بوده است، همچنین رتبه استان کهگیلویه و بویراحمد در مناطق شهری و سال ۱۳۷۵، هفتم و در سال ۱۳۸۵، دوازدهم بوده و به نظر می‌رسد که باید رتبه‌های کمتری کسب می‌نمودند، ولی از استان‌هایی همانند استان فارس (۱۳۷۵ و ۱۳۸۵، دهم) و خراسان (۱۳۷۵، سیزدهم، ۱۳۸۵، چهاردهم) به مراتب در رتبه‌های بالاتری قرار دارند. علت این امر را می‌توان این‌گونه بیان نمود که استان‌های فارس و خراسان (شامل خراسان شمالی، رضوی و جنوبی) به دلیل وسعت و جمعیت زیاد در شاخص‌های مورد استفاده در این مدل سازی در مراکز استان‌های خود حتی از استان‌های چهارمحال و بختیاری و کهگیلویه و بویراحمد توسعه‌یافته‌تر می‌باشند ولی در سطح استانی نسبت به دو استان مذکور کمتر توسعه‌یافته‌تر هستند که خود نشان‌دهنده پدیده تمرکزگرایی در مراکز این استان‌ها و توسعه‌نیافتگی سایر مناطق شهری این استان‌ها می‌باشد. این پدیده را می‌توان در مورد سایر استان‌های به ظاهر توسعه‌یافته‌تر (آذربایجان شرقی، خوزستان و ...) نیز مشاهده نمود که رتبه‌های پایین‌تری کسب نموده‌اند.

بررسی تفاضل شاخص‌های ترکیبی (مجموع امتیازهای عاملی) در جدول شماره ۷ نشان می‌دهد که استان تهران با افزایش ۰/۶۲۱۳ امتیازی در سطح مناطق شهری و افزایش ۰/۷۵۲۳ امتیازی در سطح مناطق روستایی، موقعیت برتر خود را چه در سطح شهری و چه روستایی با اختلاف فاحشی با سایر استان‌ها در دوره ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۵ حفظ نموده است. این امر بیانگر عدم توجه به برنامه‌های آمایش سرزمین و تمرکززدایی و تأکید ویژه بر تمرکزگرایی در استان تهران و بویژه شهر تهران می‌باشد. استان سیستان و بلوچستان در سطح مناطق شهری و روستایی و در دوره ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵، رتبه محروم‌ترین استان کشور را به خود اختصاص داده است و با کاهش ۰/۰۸۹۹ امتیازی در سطح مناطق شهری و کاهش ۰/۳۳۰۴ امتیازی در سطح مناطق روستایی فاصله توسعه‌نیافتگی با سایر استان‌ها را افزایش داده است. همچنین استان کردستان در سطح مناطق شهری با کاهش ۰/۰۱۰۱ امتیازی در رتبه بیست و چهارم و در سطح روستایی با افزایش

۰/۲۳۹۰ امتیازی در رتبه‌ی بیست و پنجم، پس از استان سیستان و بلوچستان محروم‌ترین استان کشور در سطح روستایی می‌باشد. استان آذربایجان غربی نیز در سطح مناطق شهری و در دوره ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۵، با کسب رتبه بیست و پنجم پس از استان سیستان و بلوچستان از محروم‌ترین نقاط شهری کشور برخوردار است. بنابراین استان سیستان و بلوچستان بعنوان محروم‌ترین استان کشور از لحاظ توسعه‌یافتگی نه‌تنها در این دوره دارای افزایش امتیاز عاملی نبوده است بلکه فاصله سطح توسعه‌یافتگی آن با استان اول (تهران) دچار افزایش شده است. به‌گونه‌ای که در سال ۱۳۷۵ و در بخش شهری این دو استان دارای اختلاف امتیاز عاملی برابر با ۶/۶۹۶۰۲ و در بخش روستایی دارای اختلاف امتیاز عاملی برابر با ۸/۲۸۲۱۵ و در سال ۱۳۸۵، در بخش شهری اختلافی برابر با ۱۰/۵۳۷۷۵ و در بخش روستایی برابر با ۸/۳۵۵۵۷ داشته‌اند.

جدول شماره ۱: رتبه‌بندی بر اساس امتیاز عاملی استان‌های کشور (مناطق شهری و روستایی) سال ۱۳۸۵

رتبه	شاخص ترکیبی (CI)		امتیاز عاملی هر یک از عامل‌ها								استان
			روستایی				شهری				
			شهری	روستایی	عامل سوم	عامل دوم	عامل اول	عامل چهارم	عامل سوم	عامل دوم	
۱۰	۹	0.282	0.843	-0.386	-0.180	0.849	1.209	-1.611	0.898	0.346	آذربایجان شرقی
۲۲	۲۵	-1.439	-2.2032	-1.138	-0.836	0.535	0.344	-3.131	0.289	0.294	آذربایجان غربی
۹	۱۳	0.487	0.207	0.372	-0.352	0.468	0.685	-1.569	1.264	-0.171	اردبیل
۲	۴	2.331	1.847	1.042	0.402	0.886	1.061	0.165	0.533	0.086	اصفهان
۱۲	۱۹	0.186	-0.510	-0.316	0.625	-0.122	-1.237	0.623	0.417	-0.312	ایلام
۳	۱۵	2.170	-0.028	1.072	0.694	0.403	0.316	0.371	-0.238	-0.477	بوشهر
۱	۱	3.209	3.470	3.306	-0.434	0.337	2.798	0.595	-0.228	0.305	تهران و قزوین
۸	۶	0.952	1.232	0.822	0.303	-0.173	-0.122	0.245	0.880	0.229	چهارمحال و بختیاری
۱۹	۱۴	-0.956	0.119	-0.437	-0.944	0.425	0.001	0.254	-0.354	0.218	خراسان
۲۳	۲۳	-1.551	-1.446	-0.445	-0.330	-0.776	-0.905	0.658	-0.345	-0.854	خوزستان
۱۸	۵	-0.832	1.252	-0.916	-0.744	0.828	-0.327	-0.010	0.749	0.840	زنجان
۷	۲	1.232	2.714	-0.439	1.185	0.486	-0.227	0.726	0.459 2	1.756	سمنان
۲۶	۲۶	-5.145	-7.067	-1.106	-1.017	-3.021	-1.502	-2.019	-2.392	-1.152	سیستان و بلوچستان
۶	۱۰	1.549	0.445	0.638	0.804	0.106	-0.199	0.566	-0.331	0.410	فارس
۱۳	۱۷	0.079	-0.213	-0.198	-0.793	1.071	-1.254	-0.023	0.578	0.480	قم
۲۵	۲۴	-1.791	-2.156	-1.048	-1.457	0.714	-0.277	-0.538	-0.260	-1.081	کردستان
۱۷	۱۸	-0.572	-0.501	0.751	0.192	-1.516	-0.290	0.024	-0.453	0.219	کرمان
۲۰	۲۰	-1.033	-0.847	-0.354	-0.684	0.005	-0.960	0.277	0.935	-1.100	کرمانشاه
۲۱	۱۲	-1.052	0.224	0.551	0.019	-1.623	1.086	1.243	0.914	-3.019	کهگیلویه و بویراحمد
۱۵	۱۱	-0.242	0.427	0.126	0.826	-1.195	1.148	0.540	-2.398	1.137	گیلان
۱۶	۲۱	-0.497	-0.891	0.280	-0.047	-0.730	-0.667	0.562	0.275	-1.062	لرستان
۵	۳	2.004	2.178	0.668	1.005	0.330	0.612 01	0.091	0.813	0.661	گلستان و مازندران
۱۱	۸	0.209	1.096	-0.401	-0.364	0.975	-0.027	0.577	0.105	0.440	مرکزی
۲۴	۲۲	-1.602	-1.363	-0.386	-0.384	-0.831	0.721	0.568	-2.332	-0.320	هرمزگان
۱۴	۱۶	-0.013	-0.034	-0.215	-0.956	1.158	-0.446	0.069	-0.005	0.348	همدان
۴	۷	2.036	1.209	-1.839	3.468	0.407	-1.538	0.741	0.227	1.778	یزد

بر اساس جدول شماره ۳، استان‌های اصفهان، یزد، چهار محال و بختیاری، کهگیلویه و بویراحمد، مرکزی، کرمان، بوشهر، خراسان، ایلام، خوزستان، هرمزگان در سطح مناطق شهری و در دوره ۱۳۸۵-۱۳۷۵، دچار تنزل رتبه سطح توسعه‌یافتگی خود در بین سایر استان‌ها شده‌اند که استان کرمان با نه رتبه کاهش بیشترین تنزل را داشته است. استان‌های گلستان و مازندران، زنجان، آذربایجان شرقی، گیلان، همدان، قم، کرمانشاه، لرستان، اردبیل در سطح مناطق شهری و در دوره ۱۳۸۵-۱۳۷۵، دارای افزایش رتبه سطح توسعه‌یافتگی در بین سایر استان‌ها بوده‌اند، که استان اردبیل با ده رتبه بیشترین افزایش را داشته است. همچنین در سطح روستایی استان‌های یزد، سمنان، قم، ایلام، کرمان، همدان، گیلان، زنجان، خراسان، کرمانشاه، خوزستان، هرمزگان در دوره ۱۳۸۵-۱۳۷۵ دچار افت رتبه سطح توسعه‌یافتگی در بین سایر استان‌ها بوده‌اند و استان کرمان با ۵ رتبه کاهش، بیشترین تنزل را داشته است. استان‌های بوشهر، فارس، آذربایجان شرقی، لرستان، کهگیلویه و بویراحمد، آذربایجان غربی نیز دارای افزایش سطح رتبه بندی بوده‌اند که استان اردبیل با سیزده رتبه‌ی افزایش، به رتبه نهم ارتقاء یافته است.

جدول شماره ۲: رتبه‌بندی بر اساس امتیاز عاملی استان‌های کشور (مناطق شهری و روستایی) سال ۱۳۷۵

رتبه	امتیاز عاملی هر یک از عامل‌ها								استان				
	شاخص ترکیبی (CI)				روستایی					شهری			
	روستایی	شهری	روستایی	شهری	عامل سوم	عامل دوم	عامل اول	عامل دوم		عامل اول			
۱۵	۱۴	-0.44230	0.22227	-0.67977	0.51603	-0.27857	-1.10604	1.32831	آذربایجان شرقی				
۲۴	۲۵	-1.92781	-2.24269	-1.09555	-0.10187	-0.73040	-2.11459	-0.12810	آذربایجان غربی				
۲۲	۲۳	-1.47773	-1.59270	-0.50070	-0.45681	-0.52022	-1.34059	-0.25211	اردبیل				
۲	۳	3.42084	1.34214	1.32480	0.91897	1.17707	0.44218	0.89996	اصفهان				
۱۰	۱۶	0.51090	-0.22899	0.04894	-0.07423	0.53619	1.03200	-1.26099	ایلام				
۶	۱۲	1.11412	0.35075	0.68422	-0.65973	1.08963	0.54955	-0.19881	بوشهر				
۱	۱	4.23148	3.19795	3.77878	0.35697	0.09573	0.53340	2.66454	تهران و قزوین				
۸	۵	0.65422	1.14173	-0.28194	0.36706	0.56909	1.02710	0.11463	چهارمحال و بختیاری				
۱۷	۱۳	-0.66611	0.28734	0.01207	0.19330	-0.87147	0.22211	0.06523	خراسان				
۲۰	۱۸	-0.81853	-0.29179	-0.04235	-0.45618	-0.32001	0.97068	-1.26246	خوزستان				
۱۶	۱۱	-0.49178	0.38048	-0.19207	0.65025	-0.94996	0.32001	0.06047	زنجان				
۴	۲	1.37658	2.26011	-0.48342	1.22445	0.63556	1.19975	1.06036	سمنان				
۲۶	۲۶	-4.05067	-3.49807	-0.61790	-2.68165	-0.75112	-2.11123	-1.38684	سیستان و بلوچستان				
۷	۱۰	1.01382	0.53195	1.10558	-0.04178	-0.04997	0.46734	0.06461	فارس				
۹	۲۰	0.56360	-0.95185	-0.16432	1.72680	-0.99889	0.07099	-1.02285	قم				
۲۵	۲۴	-2.00328	-2.09050	-0.88143	0.40541	-1.52726	-1.43285	-0.65766	کردستان				
۱۲	۹	-0.06594	0.55511	0.21864	-0.28632	0.00174	0.51085	0.04425	کرمان				
۱۹	۲۱	-0.80622	-1.02717	-0.23150	0.07888	-0.65360	0.11121	-1.13838	کرمانشاه				
۲۳	۷	-1.56843	0.60472	0.07973	-2.43787	0.78972	0.94278	-0.33806	کهگیلویه و بویراحمد				
۱۴	۱۵	-0.42351	0.20317	-0.84014	-0.54059	0.95721	-1.69376	1.89693	گیلان				
۱۸	۲۲	-0.74949	-1.08613	0.26135	-0.58728	-0.42356	0.27110	-1.35723	لرستان				
۵	۸	1.23008	0.56518	0.12351	-0.13419	1.24076	0.05836	0.50682	گلستان و مازندران				
۱۱	۶	0.35267	0.70579	-0.32975	1.14565	-0.46323	0.69528	0.01051	مرکزی				
۲۱	۱۹	-1.09068	-0.35255	0.38825	-0.92099	-0.55794	-0.05074	-0.30181	هرمزگان				
۱۳	۱۷	-0.25287	-0.28533	-0.05326	0.87722	-1.07683	-0.35955	0.07421	همدان				
۳	۴	2.36704	1.29910	-1.63178	0.91849	3.08032	0.78464	0.51446	یزد				

بررسی سطح رتبه بندی استان‌ها در دو بخش شهری و روستایی (جدول شماره ۳) و دو سال ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵ نشان دهنده این واقعیت می‌باشد که سطح رتبه توسعه‌یافتگی بیشتر استان‌ها در بخش شهری از رتبه بخش روستایی همان استان‌ها بیشتر می‌باشد. به عبارت دیگر حجم سرمایه‌گذاری‌های توسعه‌ای انجام شده در بخش‌های شهری بیشتر از بخش‌های روستایی بوده است، که این امر لزوم تجدید نظر در برنامه‌ریزی‌های استانی و کاهش فاصله توسعه شهری و روستایی را مورد توجه قرار می‌دهد.

جدول شماره ۳: رتبه‌بندی توسعه‌یافتگی استان‌های کشور (مناطق شهری و روستایی) سالهای ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵

سال ۱۳۸۵	رتبه	سال ۱۳۷۵	سال ۱۳۸۵	رتبه	سال ۱۳۷۵
استان	روستایی	استان	استان	شهری	استان
تهران و قزوین	۱	تهران و قزوین	تهران و قزوین	۱	تهران و قزوین
اصفهان	۲	اصفهان	سمنان	۲	سمنان
بوشهر	۳	یزد	گلستان و مازندران	۳	اصفهان
یزد	۴	سمنان	اصفهان	۴	یزد
گلستان و مازندران	۵	گلستان و مازندران	زنجان	۵	چهارمحال و بختیاری
فارس	۶	بوشهر	چهارمحال و بختیاری	۶	مرکزی
سمنان	۷	فارس	یزد	۷	کهگیلویه و بویراحمد
چهارمحال و بختیاری	۸	چهارمحال و بختیاری	مرکزی	۸	گلستان و مازندران
اردبیل	۹	قم	آذربایجان شرقی	۹	کرمان
آذربایجان شرقی	۱۰	ایلام	فارس	۱۰	فارس
مرکزی	۱۱	مرکزی	گیلان	۱۱	زنجان
ایلام	۱۲	کرمان	کهگیلویه و بویراحمد	۱۲	بوشهر
قم	۱۳	همدان	اردبیل	۱۳	خراسان
همدان	۱۴	گیلان	خراسان	۱۴	آذربایجان شرقی
گیلان	۱۵	آذربایجان شرقی	بوشهر	۱۵	گیلان
لرستان	۱۶	زنجان	همدان	۱۶	ایلام
کرمان	۱۷	خراسان	قم	۱۷	همدان
زنجان	۱۸	لرستان	کرمان	۱۸	خوزستان
خراسان	۱۹	کرمانشاه	ایلام	۱۹	هرمزگان
کرمانشاه	۲۰	خوزستان	کرمانشاه	۲۰	قم
کهگیلویه و بویراحمد	۲۱	هرمزگان	لرستان	۲۱	کرمانشاه
آذربایجان غربی	۲۲	اردبیل	هرمزگان	۲۲	لرستان
خوزستان	۲۳	کهگیلویه و بویراحمد	خوزستان	۲۳	اردبیل
هرمزگان	۲۴	آذربایجان غربی	کردستان	۲۴	کردستان
کردستان	۲۵	کردستان	آذربایجان غربی	۲۵	آذربایجان غربی
سیستان و بلوچستان	۲۶	سیستان و بلوچستان	سیستان و بلوچستان	۲۶	سیستان و بلوچستان

جدول شماره ۴: تفاضل مقادیر امتیاز عاملی استان‌های کشور (مناطق شهری و روستایی) دوره ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۵

تفاضل امتیاز عاملی		استان	تفاضل امتیاز عاملی		استان
مناطق روستایی	مناطق شهری		مناطق روستایی	مناطق شهری	
0.5357	-0.0867	فارس	0.7253	0.6213	آذربایجان شرقی
-0.4836	0.7329	قم	0.4878	0.0395	آذربایجان غربی
0.2121	-0.0664	کردستان	1.9655	1.8005	اردبیل
-0.5069	-1.0566	کرمان	-1.0896	0.5055	اصفهان
-0.2273	0.1797	کرمانشاه	-0.3240	-0.2810	ایلام
0.5155	-0.3800	کهگیلویه و بویراحمد	1.0560	-0.3795	بوشهر
0.1808	0.2242	گیلان	-1.0218	0.2728	تهران و قزوین
0.2518	0.1943	لرستان	0.2980	0.0905	چهارمحال و بختیاری
0.7747	1.6131	گلستان و مازندران	-0.2902	-0.1677	خراسان
-0.1429	0.3907	مرکزی	-0.7333	-1.1550	خوزستان
-0.5119	-1.0101	هرمزگان	-0.3407	0.8715	زنجان
0.2390	0.2505	همدان	-0.1446	0.4548	سمنان
-0.3304	-0.0899	یزد	-1.0952	-3.5689	سیستان و بلوچستان

۵- جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

هدف از توسعه متعادل ایجاد شرایط و امکانات یکسان و همگن در تمامی مناطق شهری و روستایی استان‌های کشور می‌باشد. در این مقاله در دو مقطع زمانی ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵ و با استفاده از هشت شاخص توسعه و مدل تحلیل عاملی، سطح توسعه‌یافتگی استان‌های کشور مورد مطالعه قرار گرفت. با استفاده از مدل تحلیل عاملی و از روش مولفه‌های اصلی، و دوران و ریماکس مجموع امتیازهای عاملی که سطح توسعه‌یافتگی هر استان را بیان می‌نماید، استخراج شدند. نتایج به‌دست آمده نشان می‌دهد که شاخص‌های توسعه در اکثر مناطق شهری و روستایی استان‌های کشور در این دوره افزایش یافته‌اند، ضمن اینکه نابرابری بین استان‌های توسعه‌یافته‌تر و کمتر توسعه‌یافته نیز افزایش داشته است. در دوره ۱۳۷۵-۱۳۸۵ فاصله سطح توسعه‌یافتگی و نابرابری بین استان تهران (توسعه‌یافته‌ترین) و استان سیستان و بلوچستان (کم توسعه‌یافته‌ترین) در مناطق

شهری ۱۵۷/۳۷٪ و در مناطق روستایی ۱۰۰/۸۸٪ افزایش داشته است. به عبارت دیگر، توسعه شاخص‌های شهری و روستایی استان‌های کشور در این دوره افزایشی بوده ولی توزیع آن در بین استان‌ها ناعادلانه بوده است. این امر موجب افزایش شکاف بین استان‌های توسعه‌یافته‌تر و استان‌های کمتر توسعه‌یافته شده، به گونه‌ای که روند توسعه متعادل و همگن در کشور را مختل نموده است. همچنین بر اساس نتایج به دست آمده، فاصله توسعه‌یافتگی در سطح مناطق شهری و روستایی هر استان نیز نابرابر بوده و توسعه مناطق شهری بر توسعه مناطق روستایی اولویت داده شده‌اند. در برخی از استان‌ها مانند استان فارس که به نظر می‌رسد باید رتبه‌ی بالایی را در مناطق شهری و روستایی از لحاظ توسعه‌یافتگی کسب نماید، مشاهده می‌شود که در این دوره دارای رتبه‌ی متوسطی بوده است، دلیل این امر را می‌توان تمرکز گرایی در مرکز استان و توسعه نیافتگی سایر بخش‌های شهری و روستایی آن بیان نمود.

با توجه به نتایج حاصل می‌توان بین توسعه‌یافتگی و کمتر توسعه‌یافتگی استان‌های کشور و پیش زمینه‌های توسعه و روالی که استان‌های کشور در این عرصه تجربه نموده‌اند، ارتباط برقرار نموده و به عواملی چون مرکزیت سیاسی، جغرافیایی، امنیت و ثبات مناطق، مرکزیت ارتباطی و بازرگانی و نیز دوری از مناطق مورد هجوم و وجود موانع و مرزهای طبیعی بر سر راه تهاجم دشمن اشاره نمود. بسیاری از شهرهای ایران بنا به دلایل تاریخی مانند تهران، تبریز، شیراز و اصفهان از مراکز عمده‌ی جمعیتی نیز بودند و بعدها در اولین تقسیمات کشوری تحت عنوان مراکز استان توسعه بیشتری پیدا کردند. در حالی که بسیاری از استان‌های توسعه‌یافته امروز زیر مجموعه این مناطق محسوب می‌شوند. عامل دیگر، مرزنشینی و دوری از مرکز می‌باشد. امروزه تقریباً در همه جای دنیا و حتی در کشورهای توسعه‌یافته دوری از مناطق مرکزی کشور و مرزنشینی مانعی در مسیر دسترسی برابر شهروندان به امکانات و منابع موجود در کشور است. به عبارت دیگر توسعه نیافتگی شهرهای مرزی مختص ایران و یا کشورهای توسعه‌یافته نیست. از طرف دیگر دوری از مرکز از ایجاد تعاملات سازنده میان نخبگان بومی و نخبگان مرکزی در جهت رشد و توسعه این مناطق جلوگیری می‌کند. همچنین نیروی انسانی ماهر و متخصص به دلیل سختی شرایط کار و تسهیلات زندگی و کمبود امکانات کمتر حاضر به فعالیت در این مناطق می‌شوند بویژه اگر این مناطق مرزی همجوار با کشورهای بی‌ثبات و بحران‌زده‌ای باشند.

متغیر مهم دیگر اقلیم و جغرافیای طبیعی است. آب و هوای خشن و خشک و کم آبی علاوه بر آن که دافع جمعیت است (استان سیستان و بلوچستان کمترین تراکم جمعیت را در کشور داراست) تا حد زیادی نیز گذران زندگی و معیشت مردم را تحت تأثیر قرار می‌دهد. به طوری که در ایران استان‌های سیستان و بلوچستان، بخشهایی از استان مرکزی و خراسان و حاشیه شرقی و جنوب شرقی کشور از مشکلات عمده‌ای در این زمینه رنج می‌برند و تا حد زیادی هزینه‌های توسعه این مناطق را افزایش داده است. متغیر دیگر بالا بودن میزان جمعیت روستایی و عشیره‌ای و نیز شهرنشینی متأخر و شتابان در مناطق توسعه‌نیافته و قومی است. وضعیت نابسامانی که آمارهای موجود نیز مؤید آن است. در ایران اولین قطبهای توسعه، شهرهای بزرگ بوده‌اند که از درصد جمعیت شهری بالایی برخوردار بودند. روستاها و مناطق دور افتاده در مراحل بعدی و یکی دو دهه پس از آن به طور جدی در مسیر توجه برنامه‌ریزان اقتصادی قرار گرفتند. با افزایش امکانات و جمعیت، این مناطق به سرعت شهرنشین شدند. در حالی که تغییر در ارزش‌ها باورها و الگوهای زندگی و معیشت جمعیت ساکن در این مناطق به همان صورت انجام نشد.

بنابراین پرهیز از دیدگاهها و الگوهای توسعه‌ای تمرکزگرایانه بویژه در استان و شهر تهران، و همچنین استان‌های بیشتر توسعه‌یافته که در شصت سال گذشته بر نظام برنامه‌ریزی کشور حاکم بوده است و توجه به دیدگاه آمیختگی و پراکنش یکنواخت فعالیت، انسان و فضا در مناطق شهری و روستایی کشور می‌تواند منجر به توسعه همه‌جانبه و بهبود سطح کیفیت زندگی افراد جامعه و در نتیجه ایجاد توسعه اقتصادی و اجتماعی متوازن در سطح کشور شود. نکته قابل توجه دیگر در این میان کمتر توسعه‌یافتگی مناطق مرزی و بیشتر توسعه‌یافتگی مناطق داخلی کشور است، به گونه‌ای که عمده‌ی مناطق و استان‌های مرزی کشور در رده‌های پایین رتبه‌بندی توسعه مناطق کشور چه در سطح روستایی و چه در سطح شهری واقع می‌شوند، که این امر با توجه به وجود تهدیدات امنیتی و مناطق بحران‌خیز منطقه‌ای، لزوم بهبود برنامه‌ریزی فضایی سیاسی، اقتصادی، اجتماعی کشور در جهت دستیابی به توسعه همه‌جانبه را الزامی می‌نماید. به عبارتی نابرابری و محرومیت به مثابه آن روی سکه توسعه، خطری مستقیم برای امنیت جامعه و در نتیجه برنامه‌ریزی توسعه به‌شمار می‌آیند. توجه به این موارد می‌تواند فشار شهرنشینی شتابان ناشی از مهاجرت جمعیت مراکز روستایی و شهری کمتر توسعه‌یافته به شهرهای بزرگ و بویژه استان

تهران را کاهش داده و سرمایه‌گذاری‌های صورت گرفته برای کنترل نابسامانی شهرهای بزرگ را جهت توسعه پایدار در سطح کشور هزینه نماید ضمن آنکه امنیت اقتصادی و اجتماعی در مناطق مرزی کشور را بهبود بخشند. بنابراین لزوم بازنگری در نظام برنامه‌ریزی کشور و جهت‌گیری به سمت برنامه‌ریزی منطقه‌ای با توجه به شرایط و ساختار فعالیتی، انسانی و فضایی هر منطقه باید مورد توجه قرار گیرد.

جدول پیوست شماره ۱: شاخص‌های توسعه (شهری و روستایی) سال ۱۳۸۵

استان	درصد نسبت به کل جمعیت		درصد جمعیت دانشجو به کل جمعیت		درصد دانش‌آموختگان نسبت به کل جمعیت		درصد شاغلین به کل جمعیت		درصد تعداد واحدهای مسکونی با دوام به تعداد واحد کل		درصد واحدهای مسکونی معمولی دارای آب		درصد واحدهای مسکونی معمولی دارای تلفن ثابت	
	۱۳۸۵	۱۳۸۴	۱۳۸۵	۱۳۸۴	۱۳۸۵	۱۳۸۴	۱۳۸۵	۱۳۸۴	۱۳۸۵	۱۳۸۴	۱۳۸۵	۱۳۸۴	۱۳۸۵	۱۳۸۴
آذربایجان شرقی	78.4	66.4	4.9	1.0	12.4	2.6	29.7	36.8	51.4	10.1	98.4	96.5	93.8	82.3
آذربایجان غربی	75.6	61.4	3.6	0.8	10.1	1.7	28.6	31.6	28.6	4.4	98.4	93.6	89.8	68.5
اردبیل	77.3	66.3	4.7	1.0	11.8	2.3	27.2	32.6	46.1	14.9	98.4	97.4	94.7	83.7
اصفهان	81.8	72.4	4.8	1.7	13.0	3.6	30.1	34.1	50.3	20.2	99.8	97.5	94.1	80.4
ایلام	78.7	68.4	4.9	1.5	13.5	4.1	24.1	24.0	20.0	5.6	99.9	98.3	95.1	68.9
بوشهر	79.5	74.1	3.6	1.1	10.1	4.7	29.5	31.9	38.5	16.5	100.0	95.4	88.1	83.4
تهران و قزوین	84.5	73.1	5.0	1.1	15.3	3.0	32.0	29.9	77.0	37.5	99.9	96.1	86.5	69.4
چهارمحال و بختیاری	79.5	68.8	5.2	1.5	14.0	3.3	28.7	25.8	33.6	16.1	99.8	97.8	93.1	73.3
خراسان	81.1	67.3	4.4	0.6	11.8	1.4	29.9	33.2	29.3	8.2	99.7	96.1	85.1	55.5
خوزستان	79.6	65.3	4.2	0.9	10.4	2.1	24.0	21.4	24.0	4.5	99.8	95.5	84.3	55.0
زنجان	79.6	67.1	6.0	1.0	13.9	1.7	29.6	33.9	30.7	5.6	99.7	97.7	92.6	54.2
سمنان	83.9	71.8	7.9	2.3	16.8	4.1	29.2	32.2	35.8	8.2	99.9	98.7	92.9	70.5
سیستان و بلوچستان	64.7	50.1	3.1	0.2	7.1	0.8	21.0	14.5	21.4	2.3	99.1	93.6	77.0	31.3
فارس	82.6	73.8	5.0	1.6	13.2	4.0	28.2	28.2	29.4	13.0	99.8	98.5	88.2	75.4
قم	78.1	65.6	6.1	1.0	11.1	2.2	27.7	30.6	19.9	10.7	99.7	98.8	89.7	71.5
کردستان	75.2	63.2	2.9	0.4	8.9	1.2	25.9	29.2	32.0	3.3	99.7	93.3	88.5	54.3
کرمان	79.5	66.1	4.8	1.1	13.0	3.1	27.6	24.0	27.5	15.8	99.6	96.7	84.7	45.8
کرمانشاه	78.7	68.3	3.7	0.8	10.5	2.2	24.4	26.8	21.8	6.7	99.8	97.8	92.1	42.0
کهگیلویه و بویراحمد	80.5	66.1	0.1	0.1	15.5	3.9	23.1	21.2	41.0	9.7	99.8	98.2	87.1	55.1
گیلان	83.7	69.5	4.9	1.4	14.4	3.3	30.6	31.1	48.0	11.1	99.8	98.0	81.8	59.3
لرستان	78.3	67.1	4.2	1.1	11.3	2.7	23.8	24.4	30.1	11.7	99.9	97.4	86.7	52.8
گلستان و مازندران	81.9	71.3	5.7	1.8	15.4	4.5	29.6	31.8	42.8	15.9	99.7	97.4	92.6	84.2
مرکزی	81.2	67.1	5.8	0.9	13.3	3.4	28.7	30.6	36.5	7.7	99.8	97.9	86.5	68.6
هرمزگان	79.6	66.3	3.4	0.8	9.7	2.3	29.9	22.9	42.1	5.1	99.8	97.3	73.3	45.3
همدان	80.2	69.7	4.9	0.8	11.7	1.7	28.1	30.2	28.4	8.0	99.8	93.6	91.9	69.0
یزد	81.1	72.3	6.7	3.5	15.2	7.2	31.4	42.2	7.1	0.9	99.9	96.8	90.7	78.5

مأخذ: مرکز آمار ایران

جدول پیوست شماره ۲: شاخص‌های توسعه (شهری و روستایی) سال ۱۳۷۵

استان	درصد باسوادی نسبت به کل جمعیت		درصد جمعیت دانشجو به کل جمعیت		درصد دانش‌آموختگان نسبت به کل جمعیت		درصد شاغلین به کل جمعیت		درصد تعداد واحد مسکونی با دوام به تعداد واحد کل		درصد واحدهای مسکونی معمولی دارای تلفن ثابت	
	$\frac{C_1}{C_2}$	$\frac{C_3}{C_4}$	$\frac{C_5}{C_6}$	$\frac{C_7}{C_8}$	$\frac{C_9}{C_{10}}$	$\frac{C_{11}}{C_{12}}$	$\frac{C_{13}}{C_{14}}$	$\frac{C_{15}}{C_{16}}$	$\frac{C_{17}}{C_{18}}$	$\frac{C_{19}}{C_{20}}$	$\frac{C_{21}}{C_{22}}$	$\frac{C_{23}}{C_{24}}$
آذربایجان شرقی	57.65	72.58	57.65	72.58	57.65	72.58	57.65	72.58	57.65	72.58	57.65	72.58
آذربایجان غربی	49.37	67.98	49.37	67.98	49.37	67.98	49.37	67.98	49.37	67.98	49.37	67.98
اردبیل	56.29	70.16	56.29	70.16	56.29	70.16	56.29	70.16	56.29	70.16	56.29	70.16
اصفهان	68.83	77.66	68.83	77.66	68.83	77.66	68.83	77.66	68.83	77.66	68.83	77.66
ایلام	59.87	71.67	59.87	71.67	59.87	71.67	59.87	71.67	59.87	71.67	59.87	71.67
بوشهر	63.48	75.18	63.48	75.18	63.48	75.18	63.48	75.18	63.48	75.18	63.48	75.18
تهران و قزوین	68.18	80.73	68.18	80.73	68.18	80.73	68.18	80.73	68.18	80.73	68.18	80.73
چهارمحال و بختیاری	59.47	73.49	59.47	73.49	59.47	73.49	59.47	73.49	59.47	73.49	59.47	73.49
خراسان	59.91	77.28	59.91	77.28	59.91	77.28	59.91	77.28	59.91	77.28	59.91	77.28
خوزستان	53.86	72.02	53.86	72.02	53.86	72.02	53.86	72.02	53.86	72.02	53.86	72.02
زنجان	56.46	72.98	56.46	72.98	56.46	72.98	56.46	72.98	56.46	72.98	56.46	72.98
سمنان	66.07	79.33	66.07	79.33	66.07	79.33	66.07	79.33	66.07	79.33	66.07	79.33
سیستان و بلوچستان	37.78	57.61	37.78	57.61	37.78	57.61	37.78	57.61	37.78	57.61	37.78	57.61
فارس	64.85	77.01	64.85	77.01	64.85	77.01	64.85	77.01	64.85	77.01	64.85	77.01
قم	61.75	71.82	61.75	71.82	61.75	71.82	61.75	71.82	61.75	71.82	61.75	71.82
کردستان	48.88	66.52	48.88	66.52	48.88	66.52	48.88	66.52	48.88	66.52	48.88	66.52
کرمان	58.27	75.67	58.27	75.67	58.27	75.67	58.27	75.67	58.27	75.67	58.27	75.67
کرمانشاه	58.86	71.11	58.86	71.11	58.86	71.11	58.86	71.11	58.86	71.11	58.86	71.11
کهگیلویه و بویراحمد	55.67	74.66	55.67	74.66	55.67	74.66	55.67	74.66	55.67	74.66	55.67	74.66
گیلان	64.21	77.82	64.21	77.82	64.21	77.82	64.21	77.82	64.21	77.82	64.21	77.82
لرستان	56.50	70.92	56.50	70.92	56.50	70.92	56.50	70.92	56.50	70.92	56.50	70.92
گلستان و مازندران	64.57	76.51	64.57	76.51	64.57	76.51	64.57	76.51	64.57	76.51	64.57	76.51
مرکزی	61.24	75.88	61.24	75.88	61.24	75.88	61.24	75.88	61.24	75.88	61.24	75.88
هرمزگان	52.84	72.23	52.84	72.23	52.84	72.23	52.84	72.23	52.84	72.23	52.84	72.23
همدان	60.69	73.68	60.69	73.68	60.69	73.68	60.69	73.68	60.69	73.68	60.69	73.68
یزد	67.16	75.99	67.16	75.99	67.16	75.99	67.16	75.99	67.16	75.99	67.16	75.99

مأخذ: مرکز آمار ایران

منابع

۱. ابراهیم‌بای سلامی، غلام‌حیدر (۱۳۸۵)؛ موقعیت ژئوپلیتیک و ناامنی اجتماعی (مورد شهرستان‌های خواف و رشتخوار در شرق ایران)، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال دوم، شماره سوم و چهارم، پاییز و زمستان ۱۳۸۵، صص ۸۰.
۲. ازکیا، مصطفی (۱۳۸۱)؛ جامعه‌شناسی توسعه و توسعه‌نیافتگی روستایی ایران، انتشارات اطلاعات.
۳. اسدی، مرتضی (۱۳۷۴)؛ اقتصاد سیاسی و رشد نامتعادل، اطلاعات سیاسی-اقتصادی، مرداد و شهریور، شماره‌های ۹۵ و ۹۶.
۴. افتخاری، عبدالرضا و فیروزنیا، قدیر (۱۳۸۲)؛ جایگاه روستا در فرآیند توسعه ملی از دیدگاه جمعی از صاحب‌نظران، موسسه توسعه روستایی ایران.
۵. تودارو، مایکل (۱۳۶۶)؛ توسعه اقتصادی در جهان سوم، جلد یک، ترجمه غلامعلی فرجادی، سازمان برنامه و بودجه.
۶. توفیق، فیروز، (۱۳۵۹)؛ درآمدی بر برنامه‌ریزی اقتصادی با نگاهی به وضع ایران، فاروس.
۷. حافظ‌نیا و دیگران (۱۳۸۴)؛ قومیت و سازماندهی سیاسی فضا (مورد غرب و شمال غرب ایران)، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال اول، شماره ۲.
۸. حکمت‌نیا، حسن، و موسوی، میرنجف (۱۳۸۵)؛ کاربرد مدل در جغرافیا با تأکید بر برنامه‌ریزی شهری و ناحیه‌ای، انتشارات علم نوین، چاپ اول.
۹. سازمان برنامه و بودجه (بی تا)؛ خلاصه برنامه چهارم توسعه اقتصادی اجتماعی ایران ۵۵-۱۳۴۴.
۱۰. سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی (۱۳۷۸)؛ سند برنامه سوم توسعه اقتصادی اجتماعی جمهوری اسلامی ایران.
۱۱. سازمان برنامه و بودجه (۱۳۷۴)؛ گزارش اقتصادی اجتماعی استان کردستان.
۱۲. سند برنامه سوم توسعه جمهوری اسلامی: ۱۷۵.
۱۳. رزاقی، ابراهیم (۱۳۷۶)؛ اقتصاد ایران، نشر نی، چاپ اول، ص ۱۶۷.
۱۴. زیاری، کرامت ا... (۱۳۷۹)؛ سنجش درجه توسعه‌یافتگی فرهنگی استان‌های ایران، نامه علوم اجتماعی، شماره ۱۶، پاییز و زمستان، صص ۹۱-۱۰۴.
۱۵. قرخلو، مهدی، و حبیبی، کیومرث (۱۳۸۵)؛ تحلیل مهاجرت در ارتباط با سطح توسعه‌یافتگی استان‌های کشور با استفاده از تکنیک‌های برنامه‌ریزی، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۸۱.
۱۶. صراف‌مظفر (۱۳۷۹)؛ مبانی برنامه‌ریزی منطقه‌ای، تهران، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی.
۱۷. کاتوزیان، محمدعلی (۱۳۷۲)؛ اقتصاد سیاسی ایران، ترجمه محمدرضا نفیسی و کامبیز عزیزی، تهران، نشر مرکز.
۱۸. کلانتری و دیگران (۱۳۸۲)؛ سنجش سطح توسعه روستایی در شهرستان تربت حیدریه ۷۹-۱۳۶۵، پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۴۴.
۱۹. کیم، جی ان، مولر و چارلز (۱۳۸۱)؛ مقدمه‌ای بر تحلیل عاملی و شیوه به کارگیری آن، ترجمه صادق بختیاری و هوشنگ طالبی، دانشگاه اصفهان.

۲۰. معصوم، مجتبی، و حبیبی، کیومرث (۱۳۸۳)؛ سنجش و تحلیل توسعه‌یافتگی شهرها و شهرستانهای استان گلستان، نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۳ خرداد .
۲۱. مک لئود، تاس - اچ (۱۳۷۷)؛ برنامه‌ریزی در ایران، ترجمه اعظم محمد بیگی، نشر نی.
۲۲. میهایلومه، سارویچ، و ادوارد پتسل (۱۳۶۷)؛ رشد ارگانیک و مستمر در جهان در آستانه قرن ۲۱، گزارش باشگاه رم، ترجمه علی اسلامی، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، چاپ اول.
۲۳. مولایی، محمد (۱۳۸۶)؛ مقایسه درجه توسعه‌یافتگی بخش خدمات و رفاه اجتماعی استان‌های ایران طی سالهای ۱۳۷۳ و ۱۳۸۳، فصلنامه علوم پژوهشی رفاه اجتماعی، سال ششم، شماره ۲۴.
۲۴. مومنی، فرشاد (۱۳۷۴)؛ کالبدشناسی یک برنامه توسعه، دانشگاه تربیت مدرس.
۲۵. نصیری، معصومه و اعظمی، هادی، (۱۳۸۵)؛ نابرابری‌های شهری تهدیدی برای امنیت اجتماعی تهران، رویکردی در جغرافیای سیاسی، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال ۲، شماره ۱، بهار، صص ۶۰.
۲۶. نجفی، علی (۱۳۷۸)؛ پس از پنجاه سال برنامه‌ریزی در ایران، روزنامه همشهری، شماره ۱۸۰۴.
۲۷. وحیدی، منوچهر (۱۳۷۱)؛ تأملی در نتایج نیم قرن برنامه‌ریزی توسعه، نشریه آبادی، سال دوم.
28. Tucker. L.Rand MacCallum R.C (1997); exploratory Factor Analysis, University of Illinois, Ohio state University.
29. Field, A. P(2005), Discovering statistics using SPSS (2nd edition), London: Sage.